



آینده نگران‌کننده دانشکده‌های داروسازی کشور

دانشکده داروسازی می‌سازند و سپس با فشار به وزارت بهداشت و دور زدن برخی مراکز و شوراهای تصمیم‌گیر در این وزارت، مجوز دانشکده را اخذ می‌کنند. برخی مسؤولان محلی انتظار دارند در شهرشان تمام رشته‌ها و دانشکده‌ها وجود داشته باشد! آمارهایی وجود دارد حاکی از تعداد زیاد دانشگاه در کشور که به نسبت جمعیت از کشورهای دیگر بیشتر است. این آمارها در مورد دانشکده‌های داروسازی کشور نیز صادق است.

به جزء ۵ دانشکده بزرگ کشور، بقیه دانشکده‌ها با کادر ناکافی هیئت علمی مواجه هستند و علی‌رغم تبلیغ و دعوت و برخی امتیازات ساده رفاهی، متخصصان و اساتید داروسازی (و حتی بومی‌ها) تمایلی به عزیمت به آن شهر و دانشکده را ندارند. این افراد حتی مایل هستند

تعداد دانشکده‌های داروسازی کشور مرتباً رو به افزایش است و از ۵ دانشکده اول انقلاب، به ۲۵ دانشکده رسیده است [با احتساب شعب پردیس (پولی) بیشتر هم می‌شود]. تقریباً تمامی مراکز استانی کشور و حتی چند شهر که مرکز استان نیستند (دامغان، زابل و آمل)، دانشکده داروسازی دارند. تنها در تهران ۶-۵ دانشکده داروسازی وجود دارد (گفته شده کمتر شهری در دنیا هست که بیش از ۲-۱ دانشکده داروسازی داشته باشد!). مسؤولان محلی استان‌ها، تأسیس دانشکده و دانشگاه را تنها راه توسعه و پیشرفت شهر و استان خود می‌دانند، زیرا که از راههای دیگر توسعه (مانند جذب سرمایه و اشتغال و تولید و ...) ناتوان هستند (و البته این روال برای سایر دانشکده‌ها و رشته‌ها هم هست). مسؤولان محلی ابتدا ساختمنی برای

علاوه بر افت آموزش، از نظر اخلاقی و تربیتی نیز تحصیل کردگان ضعیفی وارد جامعه خواهند شد و ممکن است چه در داروخانه و یا سایر مراکز علمی، اجرایی، صنایع و ... نتوانند وظیفه واقعی خود را ادا کنند. شاید تمام مشکلات کشور به خاطر ضعف در آموزش باشد.

مسؤولان دانشگاه‌های علوم پزشکی در این شهرها عملاً دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های خود را در اولویت دارند و بدیهی است استخدام یک پزشک متخصص در دانشگاه، حتماً بر متخصص داروسازی اولویت دارد. کمبود ردیف‌های استخدامی و بودجه‌های پژوهشی و فقدان امکانات رفاهی و فرهنگی را هم باید به این مطلب افزود.

متاسفانه، برخی مسؤولان محلی اطلاع صحیحی از دانشگاه (به مفهوم واقعی جامعه یا universe) ندارند و تصورشان دقیقاً دیبرستان است (شاید چون خود در چنین مرکزی تحصیل کرده‌اند)، یعنی استاد و دانشجو بیایند، درسی داده شود و هر دو بروند (مانند یک دیبرستان)، با آن که در حال حاضر برخی دیبرستان‌ها عملاً با استفاده از جذابیت‌هایی سعی در حضور بیشتر معلمان و دانش‌آموزان در محیط خود و تبدیل ضمنی به دانشگاه دارند، در دانشگاه‌های کوچک کمبود بودجه‌ها و ردیف‌های استخدامی و پژوهشی، روز به روز و سال به سال بد و بدتر می‌شود و قطعاً با این روند امیدی در سال‌های آینده به ارتقای دانشکده‌های کوچک در شهرستان‌ها نیست. باید پذیرفت که در سال‌های اخیر (در همه رشته‌ها) دانشکده‌های کوچک و زیادی در شهرهای دور و نزدیک تأسیس شده، گرچه هیچ کس منکر اثر مفید این مراکز در ارتقای

در شهرهای بزرگ‌تر در امور اجرایی یا مراکز پژوهشی و شرکت‌ها و کارخانه‌ها مشغول شوند. برخی مسؤولان هم با تأسیس برخی مرکز پژوهشی اقدام به جذب متخصصان رشته‌های مختلف کرده و عملاً مانع از عزیمت آنان به شهرستان‌ها و مانع از ارتقای دانشکده‌های آن‌جا می‌شوند و از طرف دیگر، موجب ارتقای مراکز پژوهشی (و خود) را فراهم می‌آورند. بدیهی است جذابیت شهرهای بزرگ از نظر امکانات رفاهی و پژوهشی و ارتباطات علمی، و فقدان این موارد در شهرهای کوچک را هم باید در نظر گرفت.

دانشکده‌های شهرهای کوچک با نداشتن اساتید مقيم و ثابت و تمام وقتی، یا از اساتید پروازی استفاده کرده یا تعداد اندکی از اساتید را استخدام می‌کنند (تا به‌طور مقطعي کارشان راه بیفت). بنابراین، دانشکده‌هایی که طبق ضوابط وزارت بهداشت باید حدود ۳۰ استاد داشته باشند، با تعداد بسیار کمتری فعالیت می‌کنند و عملاً دانشکده‌های کوچک در شهرستان‌ها به دیبرستان‌های عالی داروسازی تبدیل شده‌اند، یعنی اطلاق نام دانشکده به این مراکز واقعی نیست. طبیعتاً این دانشکده‌ها و این تعداد اندک اساتید، نمی‌توانند آموزش صحیحی به دانشجوی داروسازی بدهند و این تأسیسبرانگیز است. این دانشکده‌ها فعالیت پژوهشی مناسب و دقیقی هم نمی‌توانند انجام دهند. آموزش دانشگاه فقط تدریس نیست، مطالعه فراوان استادان و دانشجویان در کتابخانه‌های مجهز و مشاوره و حضور دائم هم برای ارتقای آموزش (داروسازی و همه رشته‌ها) بسیار ضروری و مهم است. اگر تعداد کافی استاد در دانشکده‌ها حضور نداشته باشد،

طرح باشد. این امر در کشورهای دیگر هم رواج دارد و مسؤولان به دلایل مختلف ممکن است مجوز تربیت دانشجو را تأمین نظر سیاست‌گذاران و رسیدن به استانداردهای آموزشی لغو نمایند. در کشور خود ما هم در سال‌های دور ادغام برخی سازمان‌ها را بنا به صلاح‌دید مسؤولان شاهد بوده‌ایم که باعث تمرکز مدیریتی و صرفه‌جویی فراوان مالی گردید مانند ادغام وزارت‌های سپاه و دفاع، جهاد سازندگی و کشاورزی، شهریانی و کمیته و زاندارمری و ... آینده دور نیست و خواهیم دید آیا مسؤولان می‌توانند با این وضع بودجه، دانشکده‌های شهرستان‌ها را (از نظر استخدام استانی‌آموزشی و فعالیت پژوهشی) ارتقا دهند؟ در هر حال تربیت و آموزش داروسازان حرفه‌ای در دانشکده‌های کوچک‌تر به شدت نگران‌کننده است.

دکتر فراز مجاب

سطح علمی، اجتماعی و فرهنگی شهر نیست، روند بی‌رویه و بدون آینده‌نگری و عجولانه دانشکده‌ها، قطعاً عاقب و عوارضی نیز دارد، مانند خرد و فروش پایان‌نامه و... و از همه مهم‌تر افت آموزش و ضعف حرفه‌ای تحصیل کردگان.

اشتباه در تأسیس فراوان دانشکده‌های مختلف (از جمله داروسازی) را باید به هر نحو ممکن اصلاح و جبران کرد.

تنها راه حل موجود تأمین و تغذیه فراوان آن مراکز با بودجه‌های زیاد و اخذ مجوز استخدام دهها استاد جوان مقیم و ثابت و تأمین امکانات رفاهی و پژوهشی فراوان و ایجاد جذابیت رفاهی-پژوهشی است و چون این راه از نظر مالی و مدیریتی امکان‌پذیر نیست، تنها راه پیشنهادی ادغام دانشکده‌های داروسازی شهرهای کوچک در دانشکده‌های بزرگ‌تر، در جهت ارتقای آموزش داروسازی است، تا آن موقع، کاهش مجوز تربیت دانشجو به مدت محدود تا استخدام استانی می‌تواند